

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینه ایران

علی صدارت
۱۶ جون ۲۰۱۴

اعتماد به نفس فردی و ملی (خود انگیختگی و استقلال) اصلی اصیل از اصول مردمسالاری

سرنوشت شوم ایرانیان و عدم وجود دموکراسی در ایران و تجاوزهای روزمره به حقوق بشر به دلایل متعدد در میهن ما ممکن شده است.

وابستگی و در واقع تجاوز به استقلال ملی و در نتیجه تجاوز به آزادی و نقض حقوق بشر، از جمله دلایل مهم هستند. هموطنانی که همه دلایل و سرمنشاهای سرنوشت فاجعه‌باری که دچار آن شده‌ایم را فقط و فقط قدرت خارجی می‌دانند، آقایان شاپور بختیار و نوۀ وی جهان‌شاه بختیار یادآوری مناسبی هستند که هیچ گاه، (هیچ گاه!) هیچ قدرت خارجی به خودی خود و به تنهایی نتوانسته، نمی‌تواند و نخواهد توانست در امور میهن ما دخالت کند و هر گونه خشونت و تخریب و تجاوزی انجام دهد مگر کسانی که خود را "ایرانی" می‌خوانند به آنها مراجعه و از آنها گدائی نوکری کنند.

هدف همیشه استمرار وسیله است

این نوکری ممکن است حتی ظاهری آراسته داشته باشد، و هدفی باشد که هر وسیله‌ای را برای رسیدن به آن هدف توجیه می‌شود. باید مرتب به خود یادآور شویم که هر هدف همیشه استمرار وسیله‌ها و ابزاری خواهد شد که برای رسیدن به آن هدف مورد استفاده قرار می‌گیرد. آقای جهان‌شاه بختیار برای هدف انتقام خون پدر بزرگش از رژیم ولایت فقیه، از وسیله نوکری بیگانه استفاده کرد و به گفته خودش این سیا و موساد نبودند که به وی مراجعه کردند بلکه این خود آقای بختیار بود که به سازمانهای جاسوسی امریکا و اسرائیل مراجعه کرد و مستخدم شدن را از آنها تکیه کرد. و باز متأسفانه با همین روش، این پدر بزرگ او آقای شاپور بختیار بود که به قدرتهای خارجی مراجعه کرد و واسطه دخالت آنها در امور داخلی وطن ما ایران شد. قبل از فروپاشی رژیم ولایت شاهی و در زمانی که آقای خمینی آماده شد که با آقای شاپور بختیار همکاری کند و وی را بعد از استعفاء از نخست‌وزیری دولت شاهنشاهی، در مقام نخست‌وزیر انقلاب بخواند، آقای شاپور بختیار در این باره برای گرفتن اجازه به حکومت کارتر مراجعه کرد و جواب شنید "با آدم‌های خمینی هرگز!" و به این ترتیب سرنوشت ما در گذار از دولت شاهنشاهی به ترتیبی که دیدیم رقم خورد و این هم یکی از دلایل متمرکزتر شدن قدرت در شخص خمینی شد. کسانی که از آقای بختیار یک شخصیتی که هیچ گونه امکان اشتباه در وی وجود نداشت و بلکه از وی یک بت ساخته‌اند، ادعا می‌کنند که "ملتی که در آن زمان به جای گوش دادن

به هشدارهای او (بختیار) فریب آخوند خدعه گر و فریبکاری را خوردند" از یاد می‌برند که ایشان خود مایل بود به "آخوند خدعه گر و فریبکار" مراجعه کند ولی کارتر به وی دستور داد که از این کار خودداری کند.

روش همیشه در حکم یک آئینه و یا دوربین است که می‌توان از آن برای دیدن هدف در زمانهای آینده، استفاده نمود.

همین آقای شاپور بختیار متأسفانه باز با عدم باور به اصالت آزادی و استقلال و عدم باور به نیروی مردمی و شوربختانه باز با اصالت دادن به قدرت، به صدام برای حمله به ایران مراجعه کرد و با محور کردن قدرت خارجی، با همدستی سایر زورمداران داخلی و خارجی، خشونت را به عنوان راه حل، به میهن و هممیهنان ما تحمیل کردند. در اینجا نقش همه ما مردم ایران هم بسیار مهم و هم درخور یادآوری است که اگر تعداد هموطنانی که به اصالت آزادی و استقلال باور دارند، در آن زمانها به یک حداقل لازمی رسیده بود، مسلماً امثال آقای بختیار و زورمداران داخلی و خارجی، امکان این را پیدا نمی‌کردند که چنین سرنوشتی را نصیب ایران و ایرانی کنند.

آقای جهانشاه بختیار، با غرور و افتخار از دریوزگی و نوکری بیگانه، دست به نوشتن کتابی در این باره زده است و به صراحت از مأموریت برای جاسوسان قدرتهای خارجی با رسانه‌ها مصاحبه می‌کند و سخن می‌رانند. آیا او و امثال او امروز از تبعات شوم اعمال خود واقف هستند؟ آیا او نمی‌فهمد که داوطلبانه و با پای خود در راهی بی‌بازگشت گام نهاده است؟ آیا آنها که سرنوشت سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خود را به کسی چون آقای بختیار گره زده‌اند، بعد از انتشار خبر این جاسوسی و وابستگی به زورمداران، با جدا کردن حساب جهانشاه از شاپور، اقدام به تطهیر اسطوره بختیار کرده‌اند، نمی‌بینند که در عصری که در ایران و در سراسر دنیا، ارزش بودن دموکراسی و سالاری مردم ابعادی بی‌سابقه پیدا کرده است، در واقع دست به خودکشی سیاسی و فرهنگی و اجتماعی زده و می‌زنند؟

همه ما و هر کدام از ما باید این سؤال را با صداقت از خود بپرسیم که آیا هر کدام از ما ایرانیان در داخل و خارج ایران، در اشاعه فرهنگ مردمسالاری کوشیده‌ایم و می‌کوشیم؟ آیا مثلاً یک شهروند سوئدنی و یا جاپانی و یا امریکائی به خود اجازه می‌دهد که علیه میهن و مردم خود در دستگاههای جاسوسی قدرتهای خارجی نوکری کند و بعد هم جرأت و وقاحت این را داشته باشد که در آن مورد کتاب بنویسد و دست به سخنرانی و مصاحبه در رادیو و تلویزیون بزند؟ اگر جواب این است که آن کشورها نظامی مردمسالار دارند و گرفتار ولایت فقیه نیستند، باز باید پرسیده شود که آیا شهروندان آن کشورها برای گرفتار نشدن به دیکتاتوری، منفعلانه به کناری نشسته‌اند و با بی‌غمی و بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی، برای مشکلات جمعی، به دنبال راه‌های حل فردی هستند و در حاشیه نشسته‌اند و منتظراند دیگری و یا دیگران سرنوشت بهتری برای آنها به ارمغان بیاورند؟!

از خود بپرسیم، و آقای جهانشاه بختیار از خود بپرسد، آیا اگر با باور حقوق ذاتی بشر و با باور به اصالت استقلال، و به جای مراجعه به قدرتهای خارجی، آقای بختیار به مردم رجوع می‌کرد و همانطور که به وضوح از ننگ "هدیه دو میلیون فرانکی موساد به پدر بزرگش" پرده برمی‌دارد، اسناد بیشتری در مورد مراجعه پدر بزرگش به قدرت خارجی در قبل و بعد از فروپاشی رژیم ولایت شاهنشاهی به افکار عمومی ارائه می‌داد ابزار و وسایل خشونت‌گستری را در دست خشونت‌پروان داخلی و خارجی بی‌اثر نمی‌کرد؟ آیا در صورت خودداری از خشونت‌گستری و اجتناب از واکنش شدن و ورود در روابط زور و قدرت و "انتقام‌گیری" و با پرهیز از نوکری و جاسوسی، آقای جهانشاه بختیار لازم بود امروز بین سویس و "جائی در امریکای لاتین" زندگی کند، و به جای آن در دامن مام وطن زندگی کند و در میان هموطنان به ساختن میهن بپردازد؟.

آیا تعداد ما ایرانیانی که با باور به حقوق بشر و با باور به اصالت استقلال و آزادی، به توانائی‌های خود و بقیه مردم اعتماد داریم، به حداقل لازمی رسیده است که با هر وسیله برای ارتباط‌گیری و درآمیختن با افکار عمومی ایرانی و

غیر ایرانی استفاده کنیم و دخالت خارجی را در امور میهن خویش محکوم کنیم و هر "ایرانی" را که به زورمداران خارجی و داخلی مراجعه می‌کند، از خود برانیم و در فضای حقیقی و مجازی طرد کنیم، تا بدین وسیله دین خود را به خشونت‌زدائی اداء کنیم و نقش خود را (هر چقدر هم که این نقش هرکدام از ما به تنهایی، به ظاهر به نظر کوچک بیاید) در مردمسالارتر شدن جامعه و نهادینه شدن فرهنگ حقوق‌مداری و دموکراسی ایفاء کنیم؟

علی صدارت

خرداد [جوزا] ۱۳۹۳ برابر با ماه جون ۲۰۱۴

مراجع:

- ۱- <http://www.europe1.fr/International/L-Iranien-qui-travaillait-pour-la-CIA-et-le-Mossad-2138075/>
- ۲- <http://enghelabe-eslami.com/component/content/article/13-khabar/siasi/9086-2014-06-02-12-46-40.html>
- ۳- <http://tempsreel.nouvelobs.com/monde/20140530.OBS9015/les-revelations-du-petit-prince-de-teheran-brise-par-les-islamistes.html>
- ۴- http://www.lexpress.fr/actualite/monde/proche-moyen-orient/barbouzes-contre-barbus-un-iranien-a-la-cia_1547070.html
- ۵- <http://enghelabe-eslami.com/component/content/article/19-didgagha/maghalat/9112-2014-06-04-13-40-27.html>
- ۶- <https://www.manoto1.com/news/vnvyt/NEWS14130>
- ۷- <https://www.youtube.com/watch?v=WHFrefxDQtk>
- ۸- <http://www.tabnak.ir/fa/news/404736>
- ۹- https://www.youtube.com/watch?v=a6HsR8li_8o
- ۱۰- https://www.youtube.com/watch?v=q6q_DrjjiQIU
- ۱۱- <http://www.roozonline.com/persian/news/newsitem/article/-28e8238a3c.html>
- ۱۲- https://www.facebook.com/permalink.php?story_fbid=10152910439211110&id=122220591109
- ۱۳- <http://www.persian.rfi.fr>
- ۱۴- <http://melliun.org/iran/42395>
- ۱۵- <http://www.iranianuk.com/page.php5?id=20140606113314018>

۱۶- محمد جعفری: مقایسه ای بین روش و منش مصدق و بختیار، قسمت اول

http://iraniferi1.blogspot.co.uk/2013/02/blog-post_8313.html

۱۷- بختیار: اسطوره و واقعیت و سوزاندن فرصتی تاریخی (قسمت اول)، محمود دلخواسته

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/01/http://news.gooya.com.php.۰۸۱۹۵۵>

۱۸- بختیار: اسطوره و واقعیت و سوزاندن فرصتی تاریخی (قسمت اول - بخش دوم)، محمود دلخواسته

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/01/http://news.gooya.com.php.۰۸۱۹۵۶>

۱۹- بختیار: اسطوره و واقعیت، هدف از کودتای نوژه (بخش دوم)، محمود دلخواسته

<http://news.gooya.com/politics/archives/2009/01/http://news.gooya.com.php#more.۰۸۲۱۳۱>

۲۰- بختیار: اسطوره و واقعیت (بخش پایانی)، نقش بختیار در حمله عراق به ایران، محمود دلخواسته

<http://open.gooya.com/print.php.۰۸۲۴۰۴/politics/archives/2009/01/http://open.gooya.com>